



## مباهله رسول اکرم (صلي الله عليه وآله) با مسیحیان نجران

مباهله در لغت به معنی ملاعنه و نفرین متقابل می‌باشد.

مباهله در لغت به معنی ملاعنه و نفرین متقابل می‌باشد. [1] و در اصطلاح به این معناست که «دو تن یا دو گروه بر علیه یکدیگر دعای بد کنند. پس هر کدام ظالم باشد حق تعالی وی را رسوا گرداند و نعمت و عذاب خود را بر وی فرستد و ذریه او را مستأصل کند و هلاک گرداند» [2].

در حدیثی از رسول خدا (صلي الله عليه وآله) روایت شده که حضرت فرمود: «خداوند عزوجل به من خبر داده که پس از مباهله عذاب بر گروه باطل نازل می‌شود و حق را از باطل مشخص می‌سازد» [3].

از روایاتی که در منابع اسلامی نقل شده است، استفاده می‌شود که مباهله اختصاص به زمان رسول اکرم (صلي الله عليه وآله) ندارد و در تمامی زمان‌ها قابل اجرا است. در حدیثی از امام صادق (عليه السلام) نقل شده که ایشان فرمود: اگر سخنان حق شما را مخالفان نپذیرفتند، آن‌ها را به مباهله دعوت کنید. [4]

داستان مباهله پیامبر اکرم (صلي الله عليه وآله) با مسیحیان نجران [5] این داستان در برخی از منابع تاریخی و بسیاری از منابع تفسیری شیعه و اهل سنت ذکر شده است. در سال ۶۰۰ هجری قمری (۶۲۸ میلادی) رسول اکرم (صلي الله عليه وآله) از مدینه به سوی نجران حرکت کردند. آن روز رسیده بود رسول گرامی اسلام با ارسال نامه به سران کشورها و مناطق مختلف، سعی داشت دین اسلام را گسترش دهد. یکی از نامه‌ها [6] برای نصاری نجران ارسال کرد. در این نامه آمده است:

«... من شما را از پرستش بندگان به پرستش خدا و از سرپرستی بندگان به سرپرستی خدا دعوت می‌کنم. اگر امتناع کردید، باید جزیه بپردازید و گرنه شما را به جنگ بخوانم» [7].

برخی قائلند آیه ۶۴ سوره آل‌عمران نیز بخشی از این نامه می‌باشد. [8] در این آیه خداوند متعال می‌فرماید:

«و اگر ای اهل کتاب بپایند به سخنی که میان ما و شما مشترک است که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم و بعضی از ما بعضی دیگر را، غیر از خداوند یگانه به خدایی نپذیرند. هرگاه (از این دعوت) سر برتابند، بگوئید گواه باشید که ما مسلمانیم» [9].

مسیحیان نجران پس از دریافت نامه به مشورت پرداختند و تصمیم گرفتند؛ هیئتی از بزرگانشان را به مدینه اعزام کنند تا با رسول خدا (صلي الله عليه وآله) مذاکره و بحث شوند. ابن هشام می‌نویسد:

«هیأتی از نصاری نجران مرکب از ۶۰ نفر برای دیدار پیامبر و مذاکره با آن حضرت وارد مدینه شدند. در میان ایشان، ۱۴ نفر و در میان ۱۴ نفر، ۳ نفر بودند که سمت ریاست و بزرگی بر سایرین داشتند. و مورد احترام مسیحیان آن زمان بودند. یکی ملقب بود به «عاقب»؛ که در آن زمان نامش «عبدالمسیح» بود. دیگری ملقب بود به «سید»؛ و نام او «ایهم» بود. و سومی «اسقف» بود و نامش «ابو حارثه بن علقمه» [10].

ابن سعد در باب نحوه ورود این هیأت به مدینه و برخورد پیامبر اکرم (صلي الله عليه وآله) با آن‌ها می‌نویسد:

«مسیحیان در حالی که جامه‌ها [11] و حریر یمنی پوشیده بودند، وارد مسجد شدند و به سوی مشرق نماز گزارند. پیامبر (صلي الله عليه وآله) به مسلمانان فرمود: آزادشان بگذارید. سپس آن‌ها با همان لباس‌ها نزد پیامبر آمدند. پیامبر آنان را نپذیرفت ... روز بعد در جامه رهبانان آمدند و سلام کردند. پیامبر جواب داد و ایشان را به اسلام دعوت نمود. آن‌ها نپذیرفتند و گفتگو و بحث بسیاری شد» [11].

بحث و مجادله بین مسیحیان و پیامبر اکرم (صلي الله عليه وآله) در حقانیت دین خود با رسول خدا (صلي الله عليه وآله) به مجادله نشستند. [12] مسیحیان نجران می‌گفتند: عیسی (عليه السلام) خداست و گروهی او را پسر خدا می‌دانستند و دسته سوم، قائل به تثلیث [13] یعنی به سه خدا قائل بودند؛ پدر، پسر، روح القدس [13]. ابن هشام می‌نویسد:

«مسیحیان به پیامبر (صلي الله عليه وآله) گفتند: اگر عیسی (عليه السلام) پسر خدا نیست پس پدرش کیست؟ ... آیات قرآنی نازل شد و خلقت او را همانند خلقت آدم ابوالبشر معرفی



- [11]- واقدی، محمد بن سعد؛ الطبقات الکبری، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، فرهنگ و اندیشه، 1374، ج1، ص 346.
- [12]- ابن خلدون، عبدالرحمان؛ پیشین، ص 461.
- [13]- حمیری، ابن هشام، پیشین، ج1، ص 382.
- [14]- همان، ص 383.
- [15]- سیوطی، جلال الدین؛ الدر المنثور، بی&wnjzجا، دارالعرفه، چاپ اول، 1365، ج2، ص 38.
- [16]- کوفی، احمد بن اعثم؛ پیشین، ص 1036 - احمدی میانجی، علی؛ پیشین، ج2، ص 497.
- [17]- طوسی، محمدحسن؛ مصباح المجتهد، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه، 1411، چاپ اول، ص 764.
- [18]- لنکرانی، فاضل؛ مناسک حج، قم، مهر، 1373، چاپ سوم، ص 242.
- [19]- ثمالی، ابوحمزه، تفسیر ابی حمزه ثمالی، قم، الهادی، چاپ اول، 1420، ص 134.
- [20]- خرگوشی، واعظ، شرف النبی، تهران، بابک، 1361، ص 144.
- [21]- المقریزی، احمد بن علی؛ امتاع الاسماع، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1420، ج2، ص 95.
- [22]- همان.
- [23]- یعقوبی، ابن واضح، پیشین، ص 451.
- [24]- محمد بن محمد بن نعمان، پیشین، ص 168.
- [25]- واقدی، محمد بن سعد؛ پیشین، ص 346.
- [26]- ابن خلدون، عبدالرحمن؛ پیشین، ص 461 و حمیری، ابن هشام؛ پیشین، ص 381.
- [27]- همان
- نویسنده: یدالله حاجی&wnjzزاده  
منبع: پژوهشکده امام باقر العلوم